

شاه عباس

فرمانروای نصف جهان

نسخه محمدپور



خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

www.ketab.ir

سرشناسه : محمدپور، نسیم، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام : شاه عباس فرمانروای نصف جهان/ نسیم محمدپور قاضی جهان،
 پدیدآور
 مشخصات نشر : تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، ۱۳۹۳.
 مشخصات : ۲۸۴ ص.: مصور: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
 ظاهری
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۶-۰۹۷-۴
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی
 رصوع : عباس صفوی اول، شاه ایران، ۱۰۳۸-۹۷۸ق.
 موضوع : ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ق.
 رده بندی کنگره : DSR/۱۳۱۶م ۳ش ۳ ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۱۵
 شماره : ۲۶۵۳۴۲۵
 کتابخانه :
 ملی
 تاریخ درخواست : ۱۳۹۳/۰۸/۱۸
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۳/۰۸/۱۸
 کد پیگیری : ۱۳۹۳۰۸۷۱

شاه عباس فرمانروای نصف جهان

نسیم محمدپور

حروفچینی: فهیمه شورگشتی

صفحه آرایی: مهتابه

لینتوگرایی: باغچه

چاپ متن: طلاله آذین

صحافی: خزاعی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۹۶-۰۹۷-۴

مدیر تولید: علیرضا فرجی گنبدانی

ناظر چاپ: محمد محمدپور قاضی جهان

ناشر: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی

انقلاب ۱۲ فروردین پاساژ فروردین ط اول

تلفن ۶۶۴۹۱۵۱۹-۴۴۰۵۶۷۶۶

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	صل اول - ظهور شاه عباس
۴۵	فصل دوم - وضعیت اقتصادی و تجاری
۸۵	فصل سوم - وضعیت آرامند ایران
۱۰۱	فصل چهارم - فرمان‌نویسی در عهد صفوی
۱۳۷	فصل پنجم - نجف اشرف در زمان شاه عباس
۱۵۵	فصل ششم - هیات سیاسی عادل شاهی در دربار شاه عباس
۱۹۵	فصل هفتم - روابط ایران و پرتغال
۲۱۳	فصل هشتم - روابط ایران و فرانسه
۲۲۹	فصل نهم - روابط ایران و اسپانیا
۲۳۹	فصل دهم - روابط ایران و پولونی
۲۵۹	فصل یازدهم - روابط ایران و عثمانی
۲۷۳	فصل دوازدهم - بناهای تاریخی در اردبیل

۲۹۱	فصل سیزدهم - بناهای تاریخی در اصفهان
۳۲۹	فصل چهاردهم - سفر شاه عباس به کرمان
۳۴۳	فصل پانزدهم - اهمیت ورزش های نظامی
۳۵۵	فصل شانزدهم - فوت شاه عباس
۳۶۹	منابع و تأخذ
۳۷۵	منابع لاتین
۳۷۶	فهرست انتشارات

مقدمه

سرزمین کهن ایران در طول تاریخ چند هزار ساله خود، روزگاران پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده است. یکی از دوره های پرحادثه و مؤثر در گذشته ایران، دوره صفویه است. در این دوره تشیع و ظهور نویسندگان شیعی خودنمایی می کرد. تاریخ تشیع و زندگی علمای شیعه در عصر صفوی همواره پرفراز و نشیب بوده است، پر از درگیری و تقابل با جنبش ها و نظام های فکری مختلف که در طول آن تشیع اصالت خود را به عنوان مکتبی مستقل و زنده حفظ کرده است. این رویارویی در مواردی که فکر و نظام مهاجم یکسره با تفسیر شیعی ناسازگار بوده به طرد آن منجر شد و در مواردی نیز که به کلی با اصول و مبانی تشیع منافات نداشته در تشیع هضم گردیده و به عنصری هماهنگ تبدیل شده، گونه ای که از اصل خود فاصله گرفته است. بی شک این قدرت برخورد در این نظام های فکری که بعضی از آن ها قرن ها بر تاریخ بشری سلطه داشته اند نعمتی است که از کوثر امامت و ولایت سرچشمه گرفته است.

یکی از این رویارویی ها در عرصه فکر، اندیشه برخورد علمای شیعه با فلسفه، حکمت و عرفان است. عالمان شیعه، علم فلسفه را که در ذات خود با مبانی تشیع منافات داشته است ارزیابی نکردند، و به حذف آن به جای از مطالب و تکمیل بعضی از مباحث آن پرداختند و آن را با مبانی تشیع هماهنگ ساختند. این روند در عصر حکمای عهد صفوی به حد اعلای خود رسید. فلسفه و حکمت را از جهات بسیاری از فلسفه متداول و مرسوم جدا ساخت و بدان هویتی مستقل بخشید.

بیشگفتار

ایران در زمان سلطنت شاه عباس اول (بزرگ ترین پادشاه صفوی) وسعت و عظمت دیرینه خود را باز یافت. از هوشمندی این پادشاه آن که به عالمان دینی احترام میگذاشت و از این راه در ترویج دین و اقتدار سیاسی ایران و نیز تحکیم سلطنت خود بهره می جست.

از جمله شواهد این امر انتخاب خلیفه سلطان، شاگرد میر داماد و شیخ بهائی وزات خود بود (مفاخر اسلام، جلد ۸، ص ۲۶). میر داماد و شیخ بهائی از فقهاء فلاسفه و متهجدین این دوره نزد شاه صفوی از ارج و منزلت فراوانی برخوردار بودند. عضو این دو شخصیت علمی در دربار صفوی شکوه و جلوه خاصی به سلسله این پادشاهان بخشیده بود (تاریخ ادبیات ایران، جلد ۵، صص ۳۵۴-۳۵۳).

عمده فعالیت های سیاسی شیخ بهائی در عهد شاه عباس اول صورت گرفت که اجمالاً به آن اشاره می کنیم:

به نوشته عالم آرای عباس، شیخ بهائی بعد از رحلت شیخ علی منشار (شیخ الاسلام دارالسلطنه اصفهان) به جای وی به این منصب منصوب شد.

او در این باره می نویسد:

... با لجمله آن جناب (شیخ بهائی) بعد از فوت شیخ علی منشار منصب شیخ الاسلامی و وکیل حلالیات و تصدی دارالسلطنه اصفهان به خدمت من رجوع گشته، چند گاه من حیث الاستقلال بدان شغل پرداخت (تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۱، ص ۱۵۴). حال اگر وفات شیخ علی منشار را در سال ۹۹۳ ق بدانیم، وی باید در ابتدای سلطنت شاه عباس اول به این منصب انتخاب شده

باشد و ظاهراً این امر پس از بازگشت وی از سفر حج و سیاحت چند ساله او در بلاد اسلامی بوده است.

به اعتقاد نویسنده کتاب الهجرة العامليه شيخ بهائي در سال ۹۹۶ ق از سوی شاه عباس کبير به سمت شيخ الاسلامي اصفهان (بایتحت جديد شاه عباس) تعيين شد و تا زمان وفات اين منصب را بر عهده داشت (الهجرة العاملية الى ايران في العصر الصفوي، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۵۴).

بنابراين اگر سفرهای شيخ را بيش از اين تاريخ بدانيم وی به مدت ۳۴ سال در دوران ملوکات اين پادشاه، شيخ الاسلام اصفهان و مفتي اعظم ايران بوده است. اگر سالهایی که وی در هرات به جای پدر خود شيخ الاسلام بوده به اين مدت بيفزاييم، نصب اين منصب توسط وی بالغ بر چهل سال می شود. البته اشکالي که بر اين نظريه وارد است اين است که :

اولاً: شاه عباس، اصفهان را در سال (۱۰۰۶ ق) به عنوان مرکزيت سياسي و بایتخت خود برگزيد.

ثانياً: با گزارش تاريخ عالم آرايه عباس مطابقت ندارد، زيرا به گفته وی سفرهای شيخ بهائي (که به عنوان دوران سوت در تاريخي سياسي او به حساب می آيد) بعد از تصدي منصب شيخ الاسلامي اصفهان بوده است (تاريخ عالم آرايه عباسي، ۱۳۵۰، جلد ۱، صص ۱۵۷-۱۵۵). در هر دو مورد تاريخ اخير قابل دفاع است، زيرا تعيين اصفهان به عنوان بایتخت صفويه از سوت شاه عباس (۱۰۰۶ ق) هيچ منافاتي با اين مطلب ندارد که شاه عباس، شيخ بهائي را از همان سال اول سلطنت خود (يعني از سال ۹۹۵ ق) به سمت شيخ الاسلامي اصفهان برگزيده باشد، با توجه به اين که وفات شيخ علي منشار (که شيخ بهائي جانشين وی در اين منصب بوده) معلوم نيست در چه سالي بوده است.